

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منبع معدن »	
مدیر مسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی - ۱۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۴۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews https://ble.ir/smtnews
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	

نگاه از دریچه هنر

بابک بهاری: خانم مریم مقدم عکاس و نقاش و دانش آموخته هنر، آنچه را که می‌تواند نقاشی می‌کند و یا عکسش را ثبت می‌کند آشنایی با مبانی فرم نقاشی و دانش عکاسی که بر آیندش را در آثار پیش رو می‌بینیم. او در عین نگاه به امر واقع از سایر ظرفیت‌ها و تکنیک‌ها نیز برای ارائه خواسته‌های ذهنی‌اش نیز بهره برده است.

۳ - زمینه تیره و بخش‌های جدا از و هم ذهنی و همکناری شان که می‌تواند خاستگاه امیال و آرزوهای سرکوب شده و دست نیافته باشند و یا خیال‌های دست یافته باشند که چهره‌ای متفکر با دهانی نیمه باز ترانه حضورشان را گوش فرا می‌دهد.

۴ - حضور رنگ و شکل‌های خلاصه شده هندسی کنار نیمرخ با چشم بسته و دهانی که باز می‌خواند میان رنگهای گرم و خالف آمدی با رنگ سرد چهره که در تضاد با سایر بخش‌ها جمع‌کننده نگاه مخاطب به اوست.

۶- غلبه رنگ آبی و تنهایی زنی با سیب دانی(سرخ) در قلبش که به انسان هدیه می‌دهد خوانش تازه‌ای می‌تواند باشد که در وضعیت معکوس داستان حضور انسان در جهان و این کره خاکی باشد با نقش مهمی که از آب و آبی بی‌انتهای می‌گیرد، سببی با دو کارکرد رفتن و یا آمدن؟.

۸- دو کودک با چشمانی پرسشگر و کنجکاو که همانند عکسی به مخاطب می‌نگرند و اجازه می‌دهند تا مخاطب نیز علاوه بر دریافت حس درونی شخصیت‌ها به بازخوانی آنها بپردازد. فیگور شیطنت آمیز کودک کوچکتر و حالت چهره‌اش کمی شادتر می‌باشد که بخاطر همکناری با رنگ‌های گرم درب و رنگ سرد پس‌زمینه رنگ تضاد فرم به تضاد شخصیت‌ها دامن می‌زند باشد که شیطنت کودکانه هرگز انسان را ترک نکند، باشد.



چیتگر بدون کاج

منبع: ایرنا

۱ — طبیعت بی‌جان گام‌های نخستین هنرمند برای به تصویر کشیدن جهان پیرامونی با کمترین تحرک ممکن و ثبت آموخته‌های فرمی که از نقطه و خط آغاز می‌شوند و تا شکل، نور، سایه و عمق گسترش پیدا می‌کنند.



۲ - در گام دوم هم با فضای باز مواجه هستیم و هم حضور رنگ و نور و حرکت را شاهدیم، از خروس هزار رنگ تا بز زنگوله دار و فضای روستایی که ادمی می‌خواهد در کوچه روشنش گم شود همچون یاقوتی در ژرفای دریا.

۵ - چهره‌ای از سفال با دو نیمه خلاف آمد فرو رفته و برجسته و دستی بر زیر چانه که می‌تواند فیگوری باشد یا نشانه تفکر، دو نیمه بودن چهره هم از پهلوی و هم از روبه‌رو و همجواریشان در یک قالب متحد خوانش جالب و تازه‌ای از فیگور دوخالتی در یک لحظه رقم زده است.

۷ - نگاهی کاوشگر به خارج از کادر و پارچه‌ای با نقش‌های انتزاعی و رنگبندی که آن را از زمینه جدا می‌کند، نقش شخصیت با توجه به موقعیت و فیگور نمایش پارچه و سایر صحنه نمایشی از شغل و محیط کاسبی است با توجه به رابطه هنرمند با کارکنترل‌پدر و فرزند) می‌توان خواهان نگاه ژرفتر و احساسی تری از این صحنه بود.

سخن پایانی

باری با توجه به تلخی روزگار شاید تمایل مان بیشتر بازتاب شرایط در آثار بوده باشد اما، هنر هست تا واقعیت ما را نکشد.

فناوری پیشرفته برنجی در امپراتوری ایران



برگردان: مهتاب خطیر: فلزکارهای ایران باستان بسیار پیشتر و به روش‌های بسیار پرشمارتر از آنچه پژوهشگرها می‌انگاشتند، با برنج کار می‌کردند. یک پژوهش جدید روی آثار فلزی امپراتوری ساسانی، برنج را در جواهرات، اتصالات و کلاه‌های نظامی بین سده‌های چهارم تا هفتم میلادی نشان می‌دهد. این یافته‌ها به فلزکارهای ماهری اشاره دارد که می‌دانستند آلیاژهای گوناگون مس چگونه رفتار می‌کنند و مواد را با دقت برمی‌گزیدند. پژوهشگرهایی از موزه ی بریتانیا و دانشگاه کمبریج، آثار باستانی دو شهر دورافتاده ساسانی، مرو در ترکمنستان امروزی و نینوا در عراق مدرن را به بررسی و موشکافی گذاشتند. کار آنها بر یک پرسش دیرینه متمرکز بود. در حالی که بکارگیری از برنج در روم و بیزانس مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، برنج در جهان ساسانی به خوبی شناخته نشده است. برنج از یک جهت مهم با برنز متفاوت است. برنز، مس را با قلع مخلوط می‌کند. برنج، مس و روی را با هم ترکیب می‌کند. تولید برنج در دوران باستان نیازمند دانش فنی بود. پیش از اینکه تقطیر روی وجود داشته باشد، صنعتگرها برنج را از سیمن‌سازی می‌ساختند. آنها مس، سنگ معدن روی و زغال چوب را با هم گرم می‌کردند. بخار روی همزمان پخت به درون مس نفوذ می‌کرد. این فرایند برنجی با سطح روی کمتر از حدود ۳۰ درصد درست می‌کرد. کاوش‌های مرو، قطعه‌های فلزی مربوط به چندین قرن سکونت ساسانیان را به‌دست داد. پژوهشگرها ده‌ها ابزار و شی، از جمله قطعه‌هایی به خوبی نگهداری شده و مواد به شدت خورده شده را تجزیه و واکاوی کردند. یافته‌های نخستین برنجی پیرامون قرن‌های چهارم و پنجم یک قطعه دستبند، یک حلقه یا قلاب، اتصالات و یک سنجاق سر تزئین شده با سنگ لاجورد و شیشه رنگی بود. این اشیای اولیه در قالب ریخته‌گری می‌شدند. تجزیه و تحلیل شیمیایی تفاوت‌های زیادی در میزان روی، از ۲ درصد تا ۲۷ درصد، نشان داد. چنین دگرگونی‌هایی به منبع‌های فلزی ترکیبی اشاره دارد. شاید فلزکارها از برنج قدیمی‌تر دوباره بهره می‌بردند، برنج را با برنز مخلوط می‌کردند یا با منبع‌های ناهموار مواد تازه کار می‌کردند. برخی از قطعه‌ها دارای سرب افزون بودند که به جریان فلز مذاب بهنگام ریخته‌گری کمک می‌کرد. در این گام آغازین، فلز برنج با ظاهر و ارزش اجتماعی گره خورده است. رنگ طلایی آن برای جواهرات و ابزارهای نمایشی مناسب بود. خود این ماده دارای ارزش اعتبار نیز بود. یافته‌های مربوط به قرن‌های ششم و هفتم مهره‌های برنجی، اتصالات و اشیای ورقه‌ای شکل داده شده با چکش کاری هستند. در اینجا برنج با مخلوط روی متوسط، در چکش کاری سرد، نسبت به برنز، کارایی بیشتری دارد. یک فلزکار می‌توانست ورق‌های برنجی را با مشکلات کمتری از ترک خوردن یا سخت شدن تند و سریع، برش، شکل‌دهی، سوراخ‌کاری و پرچ کند. نیرومندترین نمونه از نینوا به‌دست می‌آید. کاوشگرها به مطالعه ی چهار کلاه خود مربوط به اواخر دوران ساسانی را که از اندک نمونه‌های شناخته شده از این دست هستند پرداختند. این کلاه خودها به جای یک پوسته آهنگری شده، از طرحی قطعه قطعه شده ساخته شده و دارای چندین صفحه متصل شده بهم بودند. پژوهش‌ها و واکاوی‌های بر پایه ی دانش تخصصی، روش‌های ساخت دقیقی را آشکار کرد. یکی از کلاه‌های ایمنی شامل صفحه‌های آهنی پوشیده شده با ورق‌های نازک برنجی بود. برنج در اطراف لبه‌های آهن تا می‌شد. نوارهای برنجی و پرچ‌ها به نگه داشتن کلاه ایمنی کمک می‌کردند. در یک بخش، برنج گم شده در زیر نوارهای نگهدارنده پنهان شده بود، که نشان دهنده برنامه‌ریزی دقیق و تلاش برای جلوگیری از هدر رفتن فلز است. این پیوند نظامی در چندین یافته به چشم می‌خورد. کلاهخودهای همانند از شمال ایران دارای قطعه‌های برنجی هستند. یک زره پولکی برنجی از قصر ابونصر در نزدیکی شیراز از همین الگو پیروی می‌کند. یک سرگرز در موزه بریتانیا ترکیبی از یک هسته آهنی با روکش برنجی است. کاوشگرها استدلال می‌کنند که این نمونه‌ها به نقش نظامی گسترده‌تری برای برنج در سال‌های واپسین امپراتوری ساسانی اشاره دارند. چنین نقشی برای یک ارتش بزرگ و سازمان‌یافته که به تجهیزات استاندارد، سیستم‌های تعمیر و تامین مداوم مواد تکیه داشت، مناسب بود. درخواست نظامی گسترده برای برنج نیازمند ساخت منظم و شاید دخالت دولت در کنترل منبع و تولید بوده است. این تیم همچنین اشیای ساسانی را با ابزارهای برنجی از دوره اسلامی مرو که دیرینگی آنها به قرن نهم میلادی می‌رسد، مقایسه کردند. تفاوت آشکار بود. اشیای دوره اسلامی دارای مقدار بیشتری روی، ناخالصی کمتر و نشانه‌هایی از ساخت استانداردتر بودند. برنج رایج‌تر و تصفیه‌شده‌تر شده بود. این دگرگیزی، روش ارزش‌گذاری این ماده را برای همیشه تغییر داد. در دوره ی ساسانی، برنج کمیاب انگاشته می‌شد. یک شی برنجی از خود فلز، جایگاه و منزلت پیدا می‌کرد. در دوره ی اسلامی، دسترسی گسترده‌تر به آن، این ارزش و منزلت را کاهش داد و مهارت در کار، از ماده‌ی خام مهم‌تر شد. این پژوهش پرسمان دیگری را مطرح می‌کند. بسیاری از اشیای موزه‌ای که در جایگاه برنز یا آلیاژ مس معمولی برچسب‌گذاری شده‌اند، هرگز تجزیه و تحلیل دقیق مواد را دریافت نکرده‌اند. کلاهخودهای نینوا سال‌ها چنین برچسب‌هایی داشتند. دسته بندی دوباره بخش‌هایی از این کلاهخودهای برنجی، نگاه پژوهشگرها را به فلزکاری ساسانی، تامین مواد اولیه و دانش فنی را تغییر خواهد داد. کاوشگرها امیدوارند این دست بررسی‌ها روی مجموعه‌های موزه‌ای و تجهیزات نظامی، گواهی‌های بیشتری را به این تصویر بیفزاید. برنج ممکن است جایگاه بزرگ‌تری در متالورژی ایران باستان نسبت به آنچه در پژوهشهای پیشین نشان داده شده است، داشته باشد.